روادار و دردآگاه زمانه

سمیه توحیدلو
پژوهشگر اجتماعی

در اتـاق کتابخانه ملی همیشـه باز بود. وقتی خبر پیدا می‌کردیـم که خانم دکتر آمده، با خوشـحالی به اتاقش می‌رفتیم. مأمنی بود برای گفت‌وگو. بعضی ایام که روزگار سخت می‌گرفت و نزدیکی یا دوستی با مشکلی مواجه می‌شـد، بازهم شماره تماس خانم دکتر بود و صلاح و مشورتی با او برای حل مشکلش. دغدغه‌مند بود و پر از تعهد، تعهد نسبت به ایران، نسبت به اصلاحات، تعهد نسبت به زنان و تعهد نسبت به اطرافیان. پر از شور اصلاح بود و دغدغه‌مند و دیندار، دینداری که نواندیشی و رواداری را سرلوحه عملش قرار می‌داد. چنان نگران و حتی عصبانی از برخی رفتارهای ناروای رواج یافته به نام ارزش‌ها می‌شد که همواره در قبال آنها موضع می‌گرفت. آشنایی او با مسائل اجتماعی و مبانی فقهی او را دردآگاه‌تر نسبت به شـرایط کرده بود، درد و رنجی که گاهی فراتـر از رنج بیماری و سوگ‌های شـخصی بر ایشان اثر می‌گذاشـت. در این حدود ۳۰ سال که به خوبی می‌شناختمش، هیچ زمانی ندیدم کنج عافیت سکنی گزیند و به بهانه بیماری یا خسـتگی مسائل اجتماعی و سیاست را رها سازد. دغدغه‌ها همیشه همراه او بودند و می‌شد حتی روی تخت بیمارستان هم با او درباره ایران حرف بزنی.

مسـائل زنان از همـان روز اول موضوعی مهم برایش به شـمار می‌آمد. از همان روزی که اولین زنی بود که در جمهوری اسلامی ایران معاون وزیر کشـور شـد، یا اولین زنی که رئیس سـازمان اسناد کتابخانه ملی شد؛ همواره نسبت به گشـودن راه زنان به کرسی‌های اجرایی کشور دغدغه داشت، نه بر زبان که در عمل و در هرکجا که حضور داشـت، به زنان پروبال مـی‌داد تا امکان بروز داشته باشـند. برخلاف بسیاری در سیاسـت که به راحتی می‌توانسـتند افراد را طرد کنند، هیچ‌گاه به دنبال طرد یا حذف نبود؛ همراه بود و همدل. زنی که با اقتدار مدیریت می‌کرد و حضور اجرایی داشت. زنی که می‌اندیشید و می‌نوشت. زنی که نگران و هوشیار نسبت به مسائل اجتماعی بود. ما اما این زن را به صبر و مقاومتش می‌شـناختیم. چه رنج‌ها که هم در سوگ و هم در بیماری تحمل کرد و هیچ‌گاه زبان به گلایه نگشود. زنی مؤمن به رحمت پروردگار که ثمره ایمانش آرام گرفتن در جوار رحمت حق خواهد بود. انشالله

اشرف بروجردی سیاستمدار اصلاح‌طلب درگذشت

نمونه‌ای از زنان مصلح

گزارش

با درگذشت اشرف بروجردی جامعه زنان ایران زنی کنشگر و تسهیلگر را از دست داد؛ زنی که چهارچوب‌های ناهمساز با اصول اسـلام و فقه شـیعه را برنمی‌تافت و با همکاری همفکرانش راه حضور زنان در عرصه حوزه‌های مختلف جامعه را نه از طریق تنازع، بلکـه از طریق اصلاح درون گفتمانی گشود. اشرف بروجردی اولین زن در جمهوری اسلامی بود که معاون وزیر کشـور شد. همچنین اولین زنی بود که به ریاسـت سـازمان اسـناد و کتابخانه ملی ایران رسید. اما این سمت‌ها و ریاست‌ها نمی‌تواند تصویر دقیقی از اشرف بروجردی و کاری که او و زنان همفکرش برای زنان ایران انجام دادند ارائه دهد. اشـرف بروجردی اولین فعالیت سیاسی‌اش پس از انقلاب را اینطور روایت کرد: «نخستین تشکیلاتی که بعد از انقلاب وارد آن شدم، حزب جمهوری اسـلامی بود. به‌عنوان مسئول امور زنان حزب بودم. دبیر این تشـکیلات شهید بهشتی بود.» اما پس از تعطیلی این حزب، نه تنها کار حزبـی در ایران به مسیر دیگری افتاد، بلکه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و حتـی مدیریتی زنـان هـم محدودیت‌هایـی را تجربه کرد. برای شکسـتن این محدودیت‌ها، زنـان انقلابی و مسلمان آن زمان دو تشکل جدید راه انداختند؛ «جامعه زینب(س) که از سوی زنان نزدیک به اصولگرایان راه‌اندازی شـد و «جمعیت زنـان مسـلمان» که بـه اصلاح‌طلبان نزدیک بود.

اشرف بروجردی درباره چرایی تشـکیل این جمعیت در میانه دهه ۱۳۶۰، گفت: «به یاد می‌آورم که بعد از تعطیلی حزب، مجموعه‌ای راه‌اندازی کردیم که خانم‌ها دستغیب، رجایی، دباغ، میرهـادی و فیاض‌بخش، عضو آن بودند. آقای امامی کاشانی برای ما کلاس‌هایی درباره نگاه اسلام به جایگاه زنـان برگزار می‌کـرد، تا اینکـه جمعیت زنان مسلمان شـکل گرفت.» برای تداوم فعالیت این جریان نیاز بـود که حمایت‌های عالی‌تری باشـد. دربـاره اینکه این حمایت چطـور ایجاد شـد و چطور موانع از سـر راه برداشته شد، اشرف بروجردی چنین روایت کرد: «خانم مصطفوی (دختر امام) به میدان آمـد، امام خمینی(ره) حمایت کرد و کار خـود را با جمعی از زنـان آغاز کردیم.» وی اضافه کرد: «زنـان در دوران جنگ بـه خط مقدم‌ها هم رفتند و داغ‌های بسـیاری متحمل شـدند، اما بعد از آن باز هم اجازه حضور در جامعه نیافتیم. جایگاه تعریف شده‌ای برای زنان در میان سیاست‌گذاران و مدیران کشور وجود نداشت.»

نکته راهبردی یـا آمـوزه‌ای از کنش و زندگی سیاسـی و اجتماعی اشرف بروجردی که قابل تأمل است، این است که او اصلاح‌جویی و رفع موانع را از درون نظم سیاسـی و اجتماعی جست‌وجو می‌کرد، نه از تقابل یا ایجاد تنازع. مثال تشکیل جمعیت مسلمانان نشان می‌دهد چطور با دعوت و به میدان آمدن دختر رهبر انقلاب و کسب مجوز مؤسسان این جمعیت از بنیانگذار انقلاب برای فعالیت سیاسی، توانست موانع را از سر راه دیگر زنان بردارد. این اصلاح از درون، از طریق مذاکره و گفت‌وگو و نه تخاصم یا ستیز، رویه و مشی ثابت اشرف بروجردی در همه زندگی سیاسی و اجتماعی‌اش بود. در سال ۱۳۹۶ وقتی مسأله مخالفت برخی بـزرگان حوزوی با مسـئولیت‌های بالاتر زنان مطرح شد، اشرف بروجردی با اذعان به این ضعف اصلاح‌طلبان که کمتر به بازکردن راه گفت‌وگو و تعامل با علما و بزرگان حوزه توجه نشـان دادند به «ایران» گفت: «بله؛ ما خطا کردیم. ما باب گفت‌وگو با علما را باز نکردیم. زنان در دوره اصلاحات باب گفت‌وگو با علما را بازنکردند؛ البته یک علتش این بود که شاید تصور می‌کردند پذیرشی از جانب مقابل وجود ندارد.» اما این زن پذیرش نشدن را هم نه به معنای پایان سیاسـت ورزی و مذاکره و اصلاح، بلکه به مثابه مشکلی می‌دید که باید به آن اندیشید تا از میان برداشت.

وی گفت: «شاید به نظرآنان (یعنی علما) مطالبه ما بیش از حد بود.» تعریف ماکس وبر از سیاست کمتر خوانده یا شنیده می‌شود. جامعه شـناس آلمانی گفت: «سیاست شُفتن آرام و دشوار تخته‌های سفت است.» سرگذشت اشرف بروجردی نشان می‌دهد این زن سیاست را همین گونه می‌دید؛ یعنی به منزله برداشتن آرام موانع و بازکردن راه‌ها، با حرکتی تدریجی و بطئی کـه نیازمند ایجاد درک متقابل میان کنشگران است، به حرکتی مبتنی بر زمینه واقعی یک نظم سیاسی و اجتماعی، با تکیه بر این راهبرد که از ظرفیت‌های موجود می‌توان به عنوان پلی برای عبور از موانع بهره برد.

> با درگذشت اشرف بروجردی جامعه زنان ایران زنی کنشگر و تسهیلگر را از دست داد؛ زنی که با همکاری همفکرانش راه حضور زنان در عرصه حوزه‌های مختلف جامعه را نه از طریق تنازع، بلکه از طریق اصلاح درون گفتمانی گشود

سیاست‌ورزی باورمند

نفیسه زارع کهن
روزنامه‌نگار

بعضی آدم‌ها را نه با عناوین‌شان، که با ردّی که در شیوه کار و زیست جمعی‌مان می‌گذارند به خاطر می‌آوریم. اشـرف بروجردی از همین‌هاسـت. شناخت من از او، بیش از آنکه حاصل روایت‌ها و جایگاه‌ها باشد، از همراهی در مسیر کار سیاسی و تشـکیلاتی شکل گرفت؛ مسـیری که برای او امتداد باور بود، نه صرفاً کنش سیاسـی. در برخوردهای نزدیک، آنچـه بیش از هـر چیز جلب توجه می‌کرد، آرامش و ثباتی بود که از درون می‌آمد، درحالی که خوب می‌دانسـتی چـه تلاطم‌هایـی را از سـر گذرانده و می‌گذراند. سیاسـت برای او میدان هیجان‌هـای زودگذر یا موضع‌گیری‌های نمایشی نبود. با دقت گوش می‌داد، پرسش می‌کرد و پیگیر می‌ماند. حتی وقتی بیماری مجال حضور منظم را از او می‌گرفت، ارتباطش با مسائل قطع نمی‌شد.

در ماه‌های پایانـی، رنج در صدایـش پیدا بود، اما در پاسـخ به احوال‌پرسی‌ها، زبانش جز به شـکر خدا باز نمی‌شد. این شـکر، نه از سـر عادت که از عمق ایمان می‌آمد. دیانت او در شـعار خلاصه نمی‌شـد؛ در عمل جاری بـود. در صبوری، در مسـئولیت‌پذیری و در پایبنـدی به کار جمعی خود را نشـان می‌داد. برایش سیاسـت از باور جدا نبود؛ همان‌قدر جدی، همان‌قدر اخلاقی و همان‌قدر متعهد.

در جلسـات حزبی، با اصـول و محکم بود. بـه جزئیات ورود می‌کرد و از کنار مسائل عبور سـطحی نداشت. پرسشگر بود، نه برای مخالفت که برای اصلاح. حتی در آخرین حضورهایش، دقت و حساسـیتش نسـبت به روندها و تصمیم‌ها کم نشده بود. این پیگیری نشان می‌داد سیاست‌ورزی برای او وظیفه‌ای مقطعی نیست، بلکه بخشی از زیست مؤمنانه و مسئولانه‌اش است. اشـرف بروجردی از آن زنانی بود که نشان داد می‌توان هم متدین بود و هم فعال سیاسـی؛ هم پایبند به اصول و هم اصلاح‌طلب. جای خالی چنین آدم‌هایی، فقط در ساختارها احساس نمی‌شود؛ در اخلاق کار جمعی، در خاطره همراهی‌ها و در کیفیت گفت‌وگوهاست. یادش از آن دست یادهایی است که می‌ماند، چون ریشه در باور و عمل داشت. راهش، راه امید، صبوری و اصلاح بود؛ آرام و ماندگار. روحش شاد و یادش سبز.

قانون محوری یا تعارض منافع

یادداشت

سعید دلفانی
سرپرست سابق دادسرای فرهنگ و رسانه و قاضی دیوان عدالت اداری

مناقشـه بر سـر صلاحیـت صـدور مجـوز در حوزه نمایش‌هـای خانگی و «صـوت و تصویـر فراگیر»، به منازعه حقوقی ـ نهادی بدل شده؛ نزاعی که نمی‌توان آن را اختلاف اداری تلقـی کرد، بلکه بایـد بازتابی از تعارض ساختاری میان دو نهاد دانست: وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی به‌عنـوان متولی سیاسـت‌گذاری فرهنگـی و سـاترا به‌عنوان نهـاد نوظهـور تنظیم‌گر رسانه‌ای.

در این اختلاف نهادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خـود را متولی قانونـی و تخصصی صـدور مجوزهای فرهنگی می‌داند، در حالی که ساترا با اتکا به مصوبات شورایی و تصمیمات اداری، قلمرو صلاحیتی و نظارتی خود را بـه حوزه نمایش‌هـای خانگـی و پلتفرم‌های اینترنتی تعمیم داده. این دو رویکرد متعارض، زمینه سـاز منازعه‌ای در ساختار حقوقی شـده که پرسش آن چنین اسـت: کدام نهاد به لحـاظ قانونی مرجع صلاحیـت‌دار صـدور مجوز آثـار نمایشـی و صوتی ـ تصویری فراگیر اسـت؟ یافتن پاسـخ نیازمند بررسی قانون اساسی و قوانین موضوعه است.

پرسـش را ابتدا باید در پرتو اصل ۱۷۵ قانون اساسی تحلیل کرد. جملـه پایانی این اصل کـه درباره صدا و سـیما اسـت، تصریح می‌کند: «خط مشـی و ترتیب اداره سـازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.» این عبارت بنیادین، صلاحیت‌ها و ساختارهای اداره و نظارت رسانه ملی و هر سازوکار تنظیم‌گر وابسته به آن را از قلمرو تصمیمات اداری و مصوبات شورایی خارج و در قلمرو تقنین قرار می‌دهـد. یعنی ایجاد و تثبیت هر صلاحیت ماهوی و دائمی در این حوزه برای سـاترا محتاج نص صریح قانون مصوب مجلس اسـت و از آیین‌نامه، دسـتورالعمل یا مصوبات فرادسـت اداری قابل احراز نیسـت. نکتـه مهم، لفظ «اداره» اسـت. «اداره» در معنـای حقوقی صرفاً بـه مدیریت اجرایی یا اعمال سیاسـت روزمره محدود نمی‌شـود، بلکه بر ساختار و صلاحیت نهادی دلالت دارد که باید مستقیم در متن قانون تعریف شود. بنابراین ادعای ساترا، تنها زمانی معتبر است که پشتوانه قانونی مصوب مجلس داشـته باشـد؛ در غیر این صورت، اداره به‌عنوان یک صلاحیت نهادی، فاقد وجاهـت قانونی خواهد بود. اصل ۱۷۵ واجد چند دلالت حقوقی است. اول اینکه هر خط مشی، ترتیب اداره و سازوکار نظارت ساترا در سپهر رسانه‌ای باید مستند به قانون باشد، نه سیاست‌گذاری اجرایی. دوم اینکه مرجع ایجاد و تحدید صلاحیت‌ها مقنن عمومی مجلس است؛ بنابراین ساترا که مدعی صلاحیت ماهوی و دائمی در صدور مجوزهای رسانه‌ای اسـت، مشـروعیت این ادعا باید به متن یک قانون مستند شود. بر اسـاس این دو دلالت، هرگونه خلق صلاحیت بـرای تنظیم‌گـری محتوا، صـدور مجوز یا اعمال نظارت در حوزه صوت و تصویر ازسـوی سـاترا، زمانی وجاهت قانونی دارد که از مسیر تقنین عمومی عبور کرده باشد، در غیر این صورت فاقد مبنای قانونی و فاقد اثر ماهوی خواهد بود.

سـاترا به‌عنوان نهـاد نوظهـور تنظیم‌گر رسـانه‌ای، در عمـل بـه مصوبـات شـورایی، بخشـنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی متکی است. این تکیه‌گاه‌ها حتـی در فرض اعتبـار اداری، از نظر سلسـله‌مراتب هنجارها، ابزار اجرا و تبیین محسوب می‌شوند نه ابزار ایجاد صلاحیت.

از منظر اصول عام حقوق عمومی، اصل «قانونی بودن صلاحیت‌ها» مقرر می‌دارد که نهـاد عمومی فقط در حدود صلاحیت‌های مصرح قانونی می‌تواند مداخله کند و تجاوز از این حدود موجب خروج از صلاحیت و بی‌اعتباری آثار است. اصل «سلسله‌مراتب هنجارها» بیان می‌کند که قانون مصوب بر آیین‌نامه، بخشنامه و مصوبه شورایی مقدم اسـت و در تعارض، ابزارهای اداری اعتبار ماهوی خود را از دست می‌دهند.

اصل «تناسـب و ضرورت در محدودسـازی آزادی‌ها» ایجـاب می‌کند هـر الـزام یـا محدودیـت در حوزه آزادی بیان و دسترسـی عمومی به آثـار فرهنگی باید مسـتند به نص قانون باشـد تا قابلیـت پیش‌بینی و مشروعیت آن تضمین شود. بنابراین مصوبات شورایی و دسـتورالعمل‌ها می‌توانند روش، فرآینـد و ضوابط اجرایی را در چهارچوب قانون موجود تنظیم کنند، اما نمی‌توانند مرجع جدید برای صدور مجوزهای ماهوی خلق کنند.

آیا در منظومـه قوانین مصـوب مقرره‌ای هسـت که مرجع صلاحیت‌دار صـدور مجوز برای آثار نمایشـی و صوتی ـ تصویری فراگیر را تعیین کرده باشـد؟ پاسخ در چهارچوب «قانون نحوه مجازات اشـخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند ـ مصوب ۱۳۸۶ ـ با اصلاحـات و الحاقات بعدی» قابل استخراج است.

ماده ۲ این قانـون مرجعیت صدور مجوز بـرای «آثار صوتی و تصویری» را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محول می‌کند. تحلیل این ماده بر پایه تفسیر نظام‌مند، لفظی و غایی چنین است: اولاً، «اثر» در معنای حقوقی عنوانی عام اسـت که به هر محصول خلاقانه با شکل نسـبتاً ثابت صوتی یا تصویری، فرآیند تولید و تدوین مشـخص و قصد عرضه عمومی اطلاق می‌شود. این تعریف به‌موجب اطلاق لفظی این ماده، به نوع حامل یا بستر انتشار مقید نشده؛ یعنی اثر می‌تواند روی نوار، دیسک، پرده سـینما یا پلتفرم عرضه شـود و تفاوتی در ماهیت آن ایجاد نمی‌شـود. بنابرایـن آثار صوتی و تصویری فراگیر که در پلتفرم‌ها و نمایش خانگی منتشر می‌شوند به‌عنوان «اثر» محسوب شده و مشمول این ماده هسـتند. ثانیاً در «تفسـیر نظام‌مند»، ماده ۲ در بسـتر اهداف و وظایف قانونی وزارت قرار می‌گیرد که سیاسـت‌گذاری محتوایی، حمایت از تولید فرهنگی و صدور مجوز برای آثار فرهنگی را مأموریت‌های ذاتی وزارت می‌داند. لـذا تعیین مرجع صـدور مجوز برای «آثار» در ماده ۲ این قانون با کار تخصصی وزارت در نظام حقوقی سازگار و مکمل است. ثالثاً در «تفسیر غایی»، غرض قانونگذار از تجویز صدور مجوز برای آثار، تضمین نظم عمومی فرهنگـی، حمایت از حقـوق مخاطب و تولیدکننده و ایجاد قابلیت پیش‌بینـی در الزامات پیشینی انتشار است. این غایت با توسعه فناوری دچار تغییر موضوعی نمی‌شود و بنابراین شمول بر تولیدات پلتفرمی و آثار صوتی و تصویـری فراگیر امری مقتضی هدف قانونگذار است نه متعارض با آن. رابعاً، از حیث «اصول عام حقوق عمومی» اطلاق ماده ۲ قانون مورد اشاره با اصل برابری آثار هم‌سنخ و منع تبعیض نوعی، هماهنگ است و نمی‌توان آثارِ ماهیتاً یکسان را صرفاً به اعتبار بستر انتشـار از شـمول مجوز خارج کرد یا به مرجع دیگری سـپرد، مگر آنکه نص خاصِ لاحق، تخصیص صریح ایجاد کند. خامساً، از حیث «نسبت هنجاری»، این ماده به‌عنوان حکم قانونی عام در حوزه آثار صوتی و تصویری، بر هر مصوبه اجرایی یا شـورایی مقدم اسـت و هرگونه ادعای مرجعیت مـوازی برای صدور مجوز در قالب بخشنامه یا دستورالعمل، به دلیل فقدان نص تقنینی قابلیت ایجـاد صلاحیت ماهوی ندارد. لذا پاسخ پرسش بالا مثبت است؛ یعنی قانون مصوب مجلس، مرجع صلاحیت‌دار را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین کرده است. اطلاق «آثار صوتی و تصویری» در مـاده ۲ این قانون به‌صـورت نظام‌مند بر تولیـدات نمایش خانگـی پلتفرمی و آثـار صوتی و تصویری فراگیر نیز تسری می‌یابد و به‌دلیل نبودِ قانونِ تخصیص‌زننده یا ناسخ، هیچ نهاد غیرتقنینی از جمله ساترا نمی‌تواند صرفاً با مصوبات شورایی و دستورالعمل اداری، مرجعیـت صدور مجـوز ماهوی را بـرای خود ایجاد یـا تثبیت کنـد. در مقابل این اسـتدلال‌ها، در برخی محافل تقنینی تلاش‌هایی برای تصویب طرح «قانون حمایت و رسـیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» مشـاهده می‌شود که هدف آن پرکردن خلأ قانونی ساتراست. حال آنکه در امتداد تحلیل ماده ۲ مزبور و اطلاق آن بر «آثار صوتی و تصویری»، چنین طرحی زمانی می‌تواند جایگاهی در نظم هنجاری بیابد که خلأ واقعی در مرجعیت قانونی موجود باشد. به موجب این ماده، مرجع صدور مجوز آثار صوتی و تصویری صریح تعیین شـده و اطلاق این عنوان تولیدات نمایش خانگی پلتفرمـی را نیز در بر می‌گیرد. شگفت‌آور است در حالی که «قانون موجود» مرجعیت را تعیین و چهارچوب را ترسیم کرده، برخی طرح‌ها به‌جای تنقیح و تحکیم همیـن چهارچوب، به سـمت واگذاری صلاحیتِ محتوایی به نهادهایی مانند سـاترا پیش می‌روند. نقطه کانونی این طرح نه در نوآوری‌های فرعی بلکه در «به‌رسـمیت شـناختن صلاحیـت قانونی سـاترا» اسـت. این تـلاش نه‌تنها مرجعیت تخصصـی و قانونی وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی را نادیده گرفتـه، بلکه به‌صورت سـاختاری مشمول تعارض منافع می‌شـود، زیرا ساترا به‌واسطه پیوند نهادی با صدا و سیما در موقعیتی قرار می‌گیرد که هم‌زمان هـم داور قواعد و هم بازیگر بازار اسـت. در حقوق عمومی این هم‌نشـینی نقش‌هـا به‌عنوان وضعیت کلاسیک «تنظیم‌گر ذی‌نفع» شناخته می‌شود و پیامد مسـتقیم آن «تحریف تنظیم‌گـری» (regulatory capture) اسـت. یعنی تنظیم‌گـر به جای پاسداشـت منافع عمومی به تـداوم و تقویت منافع نهادِ متصل خود گرایش می‌یابـد. در این چهارچوب هر تصمیم محتوایی، هـر ضابطه فنی و هـر مجوز یا منع انتشـار، بالقوه تحت تأثیر انگیزه‌هـای رقابتی و سهم‌خواهی بازار قرار می‌گیرد که با اصول «بی‌طرفی تنظیم‌گر، برابری ذی‌نفعـان در برابر مرجـع اداری و منع تبعیض نوعی» ناسازگار اسـت. همچنین تمرکز صلاحیـت محتوایی در نهـادِ دارای پیونـد با پخش، خطر «خنثی‌سازی رقابت» را افزایش می‌دهد؛ یعنی از طریق استانداردگذاری گزینشی بار مقرراتی نامتناسب بر رقبا تحمیل و دسترسـی منصفانه به بازار تضعیف می‌شـود. نتیجه این شـرایط کاهش تنوع فرهنگی، کاسـتن از ریسـک‌پذیری تولیدکنندگان مسـتقل و شکل‌گیری «اثر سرمازدگی» در بیان و نوآوری فرهنگی است. به لحاظ آیینی تعارض منافع ساختاری ساترا، تضمین دادرسـی منصفانه را تهدید می‌کند. مرجعی که ذی‌نفع اسـت نمی‌تواند به نحو معتبـر معیارهای بی‌طرفی رسـیدگی را محقق کند. در نبودِ اسـتقلال سـازمانی و جداسـازی کارکـردی میـان «تنظیـم» و «رقابت»، سازوکار شـکایت و تجدیدنظر داخلی عملاً به تثبیت تصمیمات اولیه میل می‌کند و نظارت مؤثر بیرونـی کاهـش می‌یابد. ایـن نقص، اصـل قابلیت پیش‌بینی و اعتماد مشروع فعالان فرهنگی را مخدوش کرده و انگیزه دورزدن مقررات یا خروج از بازار رسمی را تقویت می‌کنـد. از منظر سلسـله‌مراتب هنجارها، اعطای صلاحیت قانونی به تنظیم‌گرِ ذی‌نفع، نه تنها جایـگاه وزارت را به‌عنوان مرجـع تخصصی محتوایی تضعیف می‌کند، بلکه مسـیر «تعـارض مأموریت» را هموار می‌سازد. به این معنی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مأموریت ارتقا و حمایت از تولیدات فرهنگی را دارد و بر بسـتر رویه‌های اداری شناخته شده امکان رعایت حقوق آیینـی ذی‌نفعان را فراهم مـی‌آورد. اما ساترا با منطق بازارِ رسـانه‌ای و پیوندهای نهادی خود ممکن است انگیزه‌های متفاوتی در تصمیم‌گیری وارد کند که با صیانت از منافع عمومی و استقلال ارزیابی محتوایی جمع‌پذیر نیسـت. لذا به‌رسمیت شناختن صلاحیت ساترا در وضعیت فعلی معادل قانونی‌سازی تعارض منافع، تضعیف رقابت منصفانه و دورشـدن از الگوی تنظیم‌گری بی‌طـرف و مبتنی بر قانون‌محوری است که به‌جای ارتقای کیفیت حکمرانی رسانه‌ای، به تثبیت امتیاز ساختاری و فرسایش اعتماد ذی‌نفعان می‌انجامد. آنچـه از اسـتدلال‌های حقوقی برمی‌آید، یک گزاره محوری است: تنظیم محتوایی نمایش‌های خانگی و آثار تولیدی صوتی-تصویری، به اعتبار ماهیت و پیامد اجتماعی، فرهنگی و حقوقی نیازمند مرجعیت قانونی، تخصصـی و بی‌طرف اسـت. واگذاری چنین صلاحیتی به نهادی وابسـته به تولیدکننده محتوا، از منظر حقوقی فاقد وجاهت بـوده و پیامدهای عملی منفی گسترده برای آزادی بیان، تنوع فرهنگی و ثبات بازار تولید محتوا خواهد داشت. این وضعیت به جای ارتقای کیفیت حکمرانی رسـانه‌ای، بـه تثبیت امتیاز ساختاری و فرسایش اعتماد ذی‌نفعان منجر و مسیر توسعه فرهنگی و رسانه‌ای را با چالش مواجه می‌سازد. درنهایـت ایـن وضعیت صرفـاً یک اختـلاف نهادی نیسـت، فرصتی بـرای بازاندیشـی در سـاختارهای حقوقـی و اداری اسـت؛ برای بازگشـت بـه قانون، شفاف‌سـازی مرزهای صلاحیت و تضمین استقلال نهادهـای تنظیم‌گر. با چنیـن بازاندیشـی می‌توان منافـع عمومـی و حقـوق بنیادیـن شـهروندان را تضمیـن و اعتمـاد فعـالان فرهنگـی و هنـری را بازسازی کرد.

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی
نوبت اول
JPC پتروشیمی جم
(مناقصه شماره PJD-4024002)
موضوع: تأمین: "NINGBO LIANTONG" CONVECTION COILS COMPLETE ASSEMBLIES
شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) در نظر دارد تأمین "NINGBO LIANTONG" CONVECTION COILS COMPLETE ASSEMBLIES را از طریق فراخوان عمومی، به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. فلذا از شرکت‌هایی که آمادگی و توانایی انجام موضوع مناقصه را داشته و دارای سوابق و تجربیات مؤثر و مرتبط می‌باشند دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی به تارنمای (وب‌سایت) پتروشیمی جم به آدرس WWW.JPCOMPLEX.IR مراجعه و اسناد مناقصه را از طریق این تارنما (وب‌سایت) دریافت (دانلود) نمایند. درصورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۲۱-۸۸۶۵۴۵۴۵ داخلی ۳۵۱ تماس حاصل نمایند.
الف- شرح مختصر کار:
تأمین "NINGBO LIANTONG" CONVECTION COILS COMPLETE ASSEMBLIES
ب- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۱/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل ۲۵,۰۰۰ یورو
مواعد زمانی مناقصه:
تاریخ درج آگهی: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ و ۱۴۰۴/۱۰/۰۲
آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از وب‌سایت پتروشیمی جم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵
آخرین مهلت ارسال اسناد ارزیابی کیفی (پاکت د): ۱۴۰۴/۱۰/۳۰
تاریخ ارسال پیشنهادات (پاکات الف، ب و ج): پس از مرحله ارزیابی کیفی، به شرکت‌هایی که حائز حداقل امتیاز کیفی لازم می‌باشند، جهت ارسال پاکات الف، ب و ج اطلاع‌رسانی خواهد شد.
ج- برخی نکات مهم:
شرکت‌های واجد شرایط می‌بایست ضمن مطالعه پیش نویس قرارداد و سایر اسناد مناقصه، ابتدا اسناد ارزیابی کیفی را مطابق دستورالعمل مندرج در آن بررسی و تکمیل و به‌همراه مستندات مربوطه در پاکت «د» (مستندات ارزیابی کیفی) تحویل دبیرخانه شرکت پتروشیمی جم واقع در دفتر تهران تحویل و رسید دریافت شود. (اسناد ارزیابی کیفی و سایر اسناد اعم از کلیه جداول و اسناد تکمیل شده می‌بایست به‌صورت PDF بر روی DVD ذخیره و برای شرکت ارسال گردد. لازم به ذکر است کیفیت DVD باید جهت نگهداری برای مدت طولانی مناسب بوده و دارای برچسب با درج مشخصات متقاضی (نام شرکت، شماره تلفن و آدرس) و نیز مشخصات مناقصه (شماره مناقصه، موضوع مناقصه و تاریخ ارائه مدارک) باشد.
اسناد ارزیابی کیفی درخواست شده به‌صورت DVD و در قالب دو نسخه می‌بایست ارائه شود و از ارسال اسناد در قالب فرمت کاغذی خودداری شود. ضمناً اسناد مندرج در محتوای DVD می‌بایست دارای مهر و امضا معتبر و در فرمت غیرقابل تغییر (مانند PDF) و در پوشه‌های طبقه‌بندی شده تهیه گردد. در غیر این صورت اسناد ارائه شده از سوی شرکت‌ها مورد بررسی قرار نخواهد گرفت و رعایت این موضوع برای تمامی شرکت‌کنندگان الزامی می‌باشد.
شایان ذکر است که ارائه شماره تلفن و نشانی پست الکترونیک متقاضی شرکت در مناقصه، برای تداوم اطلاع‌رسانی‌ها الزامی است.
توضیح: درصورت هرگونه نقص در ارائه مستندات و یا عدم تکمیل موارد فوق، ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضی قابل بررسی نمی‌باشد و ارائه مدارک مورد اشاره و عدم تأیید صلاحیت، هیچ‌گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
پس از ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضیان و مشخص شدن فهرست کوتاه مناقصه‌گران، از شرکت‌های تأیید شده در مرحله ارزیابی کیفی، جهت ارائه سایر پاکات الف (تضمین شرکت در مناقصه)، ب (اسناد و مدارک فنی) و ج (پیشنهاد مالی) دعوت خواهد شد.
- حداکثر میزان پیش پرداخت، ۲۵ درصد مبلغ سفارش در قبال ارائه ضمانت‌نامه بانکی طبق شرایط درج شده به شرکت برنده پرداخت خواهد شد.
- ۵ درصد مبلغ سفارش به‌عنوان ضمانت‌نامه بانکی حسن انجام تعهدات طبق شرایط از شرکت برنده دریافت خواهد گردید.
- سایر جزئیات و اطلاعات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
- شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) در بررسی مستندات و نیز در رد یا قبول هریک یا تمام مستندات ارائه شده توسط شرکت‌ها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.
آدرس مناقصه‌گزار (دفتر مرکزی) جهت تحویل پیشنهادات:
- تهران، خیابان شهید عباسپور، خیابان نظامی گنجوی، شماره ۲۷، شرکت پتروشیمی جم، طبقه همکف، دبیرخانه حراست
تلفن تماس: ۰۲۱-۸۸۶۵۴۵۴۵ — شماره فکس: ۰۲۱-۸۸۵۶۶۴۸۹
روابط عمومی شرکت پتروشیمی جم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی
نوبت اول
JPC پتروشیمی جم
(مناقصه شماره PJS - 4040463)
موضوع: تأمین "CLIVET" WATER CHILLER
شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) در نظر دارد تأمین "CLIVET" WATER CHILLER را از طریق فراخوان عمومی، به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. فلذا از شرکت‌هایی که آمادگی و توانایی انجام موضوع مناقصه را داشته و دارای سوابق و تجربیات مؤثر و مرتبط می‌باشند دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی به تارنمای (وب‌سایت) پتروشیمی جم به آدرس WWW.JPCOMPLEX.IR مراجعه و اسناد مناقصه را از طریق این تارنما (وب‌سایت) دریافت (دانلود) نمایند. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۶۵۴۵۴۵ داخلی ۳۸۸ تماس حاصل نمایند.
الف- شرح مختصر کار:
تأمین "CLIVET" WATER CHILLER
ب- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (معادل ۵۰۰ میلیون تومان) و یا ۵۰۰۰ یورو
مواعد زمانی مناقصه:
تاریخ درج آگهی: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ و ۱۴۰۴/۱۰/۰۲
آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از وب‌سایت پتروشیمی جم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴
آخرین مهلت ارسال اسناد ارزیابی کیفی (پاکت د): ۱۴۰۴/۱۰/۲۸
تاریخ ارسال پیشنهادات (پاکات الف، ب و ج): پس از مرحله ارزیابی کیفی، به شرکت‌هایی که حائز حداقل امتیاز کیفی لازم می‌باشند، جهت ارسال پاکات الف، ب و ج اطلاع‌رسانی خواهد شد.
ج- برخی نکات مهم:
شرکت‌های واجد شرایط می‌بایست ضمن مطالعه پیش‌نویس قرارداد و سایر اسناد مناقصه، ابتدا اسناد ارزیابی کیفی را مطابق دستورالعمل مندرج در آن بررسی و تکمیل و به‌همراه مستندات مربوطه در پاکت «د» (مستندات ارزیابی کیفی) تحویل دبیرخانه شرکت پتروشیمی جم واقع در دفتر تهران نمایند و رسید دریافت شود. (اسناد ارزیابی کیفی و سایر اسناد اعم از کلیه جداول و اسناد تکمیل شده می‌بایست به‌صور